



## «ارباب» و «برده» یا «عاشق» و «معشوق»؟ نگاهی به دو کلیدواژه ادب کلاسیک از بُعد تاریخی

سمیه شرونی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

### چکیده

از دیرباز تاکنون برده‌داری به عنوان یک پدیده منحوس در جامعه بشری مطرح بوده است و از نخستین روزگاران عده‌ای از انسان‌ها به عنوان ابراز مورد استفاده برخی دیگر قرار می‌گرفتند. مطالعات برده‌داری نشان می‌دهد که بردگان همیشه کسانی نبودند که محکوم به اعمال شاقه باشند بلکه در برخی موارد و بسته به زمان و مکان زندگی‌شان شرایط متفاوتی داشتند. مطالعه تاریخ و ادبیات ایران نیز در دوره‌های مختلف از وجود این پدیده شوم حکایت دارد که البته با دیدگاه‌های متفاوتی همراه بوده است. در این پژوهش با تکیه بر کنیز و غلام که قهرمان قصاید سبک خراسانی هستند و نیز معشوق سبک عراقی و نوع رابطه آن‌ها با عاشق، به احوال بردگان در شعر این دو سبک می‌پردازیم. مطالعه بُعد تاریخی برده‌داری، رواج آن در ایران و بازتاب آن در شعر کلاسیک از جمله مطالبی هستند که در این پژوهش به آن می‌پردازیم. این نگراره نیز همچون سایر پژوهش‌های علوم انسانی به شیوه تحلیلی تو صیفی و روش کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است رابطه عاشق و معشوق و معشوق با عاشق در شعر خراسانی و عراقی در حقیقت چیزی جز رابطه ارباب با برده خود نبوده است؛ همانگونه که مستندات تاریخی و دیوان این شاعران به بردگی جسمی و روحی این زیارویان گواهی می‌دهد.

**کلیدواژه:** ارباب، برده، عاشق، معشوق، شعر کلاسیک



## مقدمه

تاریخ دقیق شروع بردگی در جوامع بشری کاملاً معلوم نیست. برخی آن را مربوط به دوره شکار دانسته و گروهی آن را از دوره ک شاورزی می دانند. فردینان توتل در فرهنگ و معجم خود نوشته است که «بردگی در نزد قدیم ترین اقوام یافت می شود و برده از اسیران جنگی گرفته می شد» (حسنی، ۱۳۷۰: ۵۸) تاریخ برده داری فراتر از مرزهای نژادی و جغرافیایی است و هر نژادی اعم از سیاه و زرد و سفید و سرخ هم برده بوده و هم برده دار و حتی خود برده ها هم برده دا شدند. واژه برده از ریشه اسلاو است، نام قومی و اجدادی گروهی از مردم در اروپای مرکزی و شرقی که از قرن پنجم تا سیزدهم به شدت و به کرات مورد حمله قرار می گرفتند و به بردگی گرفته می شدند. پدیده بردگی از زمان آغاز تاریخ ثبت شده و بخشی از جامعه بشری بوده است. ارجاعات واقع بینانه به بردگان به مثابه کارگران اجیر شده بی اجر و مزد را در داستان آفرینش در کتاب مقدس می توان یافت. (ال. ماخت و مری هال، ۱۳۸۵: ۱۰)

در طول تاریخ ایران از عهد باستان تا اوایل قرن چهاردهم ه. ق بردگان (کنیزان، غلامان، خواجهگان) به عنوان بخشی از جامعه ایران محسوب می شدند و در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی به کار گرفته می شدند. با گسترش فتوحات مسلمانان در مناطقی چون ماوراءالنهر و قفقاز تعداد زیادی از ساکنان این مناطق بویژه ترکان به اسارت مسلمانان درآمدند و به عنوان برده به سرزمین های اسلامی، از جمله ایران وارد شدند. ورود برده از مناطق شمالی تا اوایل قرن هفتم پیوسته ادامه داشت (زرگری نژاد و علیپور، ۱۳۸۸: ۳) مطالعه تاریخ برده داری در کشورهای مختلف جهان نشان می دهد که بردگان همیشه کسانی نبودند که به اعمال شاقه محکوم باشند بلکه در یونان باستان بردگانی موسوم به مربی بچه ها وجود داشتند که نحوه لباس پوشیدن و خوردن و آداب و رسوم معاشرت را به کودکان یونانی می آموختند. علاوه بر این بردگان آنتی همچون انسان هایی برابر با مردان آزاد، سخن می گفتند و حتی گاه با اربابان شان بگو مگو نیز می کردند. در شهرهایی چون آتن تشخیص بردگان از مردان آزاد یا شهروندان کار دشواری بود چرا که آنها لباسی مشابه با مردان و زنان آزاد می پوشیدند و در معاملات دوشادوش آنها فعالیت می کردند (نورمن ال و هال، ۱۳۸۵: ۱۸) رابطه ارباب با برده را تعالیم فرهنگ و دینی مشخص می کرد. در روم مسیح خود برده داری را پذیرفته بود و معتقد بود برده بر حسب وظیفه باید به اربابش خدمت کند بنابراین تعالیم برده داری در اندیشه فیلسوفان، مربیان و حتی کلیسا بخشی از نظام طبیعی جهان محسوب می شد. قرآن به برده داران سفارش می کند تا نسبت به برده ها رفتاری شایسته و انسانی پیش گیرند و این دستور در سرزمین های اسلامی رعایت می گردید بنابراین شانس و اقبال برده تا اندازه زیادی به خاستگاه او بستگی داشت برای مثال آرنولد کمبل طی گزارشی که در سال ۱۸۲۴ درباره تجارت برده در خلیج فارس فرستاده درباره شیوه رفتار با بردگان اروپایی توضیح می دهد که «هیچ وقت این رفتار سخت و ظالمانه نبوده است» و در ادامه می نویسد «از لحظه خرید برده در مقصد نهایی وضع آنها از نظر مادی روبه بهبود می گراید و خریداران به طور کلی آنها را به خوبی تغذیه کرده و با آنها تقریباً همچون خود یا خانواده شان با مهربانی



رفتار می کنند و در مقابل بردگان نیز با کمال میل و به خوبی سخت کوشی می کنند و چنین برمی آید که آنها از وضعیتشان و زندگیشان خشنود و خرسند هستند.» (توماس.ام.ریلکس و جی.بی.کلی، ۱۳۸۰: ۳۷)

به طور کلی بردگی و بندگی به عنوان یک حقیقت تاریخی در زندگی بشر مطرح است و تلاش برای تعاریف متفاوت منجر به حذف یا نادیده گرفته شدن این حقیقت تلخ نمی شود. قابل ذکر است که دگرگونی این آداب و رسوم سبب تعاریف متفاوت برای این رابطه (بندگان و خدایگان) می شده است به گونه ای که در ادبیات فارسی و در ادوار مختلف شعر نیز، چون نیک بنگریم در بسیاری از موارد همان رابطه عاشق و معشوق که کلیدواژه ادبیات فارسی است، در حقیقت رابطه مالک و مملوک بوده است. حضور کنیزان و غلامان در شعر که بعضاً زیبارو بوده اند و به شعر شاعران راه می یافته اند، در حقیقت مقام والای معشوق را نداشته اند و بررسی بافت تاریخی زمانه این اشعار و زندگی سرایندگان و حتی نوع نگاه آنها به بردگانی که معشوق خوانده می شدند این ادعا را بیشتر ثابت می کند. «عاشق» و «معشوق» دو واژه کلیدی ادبیات فارسی هستند که در ادوار مختلف و در فضای متفاوت فرهنگی و اجتماعی قرون مختلف نوع رابطه آنها متفاوت بوده است. از آنجا که مجموعه شعرها و دیوان شاعران، جریان های اجتماعی تاریخ ما را آینه می کنند، بر آن شدید تا به بررسی بازتاب یک حقیقت تاریخی در ادبیات فارسی بپردازیم و تحول معنایی دو مفهوم «اربابان» و «بردگان» و نوع رابطه مالک و مملوک را در دو دوره سبک خراسانی و سبک عراقی نشان دهیم.

### پیشینه پژوهش

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد پژوهش مستقلی تاکنون درباره اربابان و بردگان یا رابطه بندگان و خدایگان در شعر فارسی صورت نگرفته است؛ بنابراین تنها به ذکر و معرفی پژوهش های مرتبط با این موضوع خواهیم پرداخت:

یکی از مهم ترین منابعی که تا حدودی به این موضوع پرداخته است کتاب «**شاهدبازی در ادبیات فارسی**» از سیروس شمیسا است که در سال ۸۱ توسط انتشارات فردوس به چاپ رسیده است و در آن به معشوق مذکر ادوار مختلف تاریخ ادبیات اشاره می کند. به عقیده شمیسا معشوق سبک عراقی و غزل های دل انگیز آن در وصف مردان سروده شده است و ادبیات غنایی ایران را ادبیات همجنس گرایی می داند. «**احوال غلامان و کنیزان در ادب فارسی تا حمله مغول**» عنوان پایان نامه ای است که در سال ۸۵ در دانشگاه تبریز در مقطع کارشناسی ارشد نگاشته شده است. این پژوهش در آغاز به ارائه تاریخچه ای از بردگی و سپس ذکر اسامی بردگان در متون و شهرهای برده خیز و مشاغل بردگان پرداخته است. مقاله دیگری با عنوان «**کارکرد اسامی نوعی غلامان و کنیزان در ساخت ایهام تناسب در ادب پارسی**» توسط سیروس شمیسا و یاسر دالوند (۱۳۹۵) نگاشته شده است که به بررسی اسامی نوعی غلامان و کنیزکان در ساخت ایهام تناسب پرداخته اند و پس از ذکر هر یک از اسامی با آوردن شواهدی از متون فارسی، کارکرد آن را در متون ادبی بررسی کرده اند. «**برده و بردگی در شاهنامه فردوسی**» مقاله دیگری است که در سال ۹۶ توسط زهرا اسدی و همکاران نگارش یافته و



در فصلنامه بهار سخن به چاپ رسیده است. در این پژوهش بردگانی که در دربارها خدمت می کردند مد نظر قرار گرفته اند و با بررسی ابیات شاهنامه تصویری از جایگاه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حقوقی آنها ارائه شده است که کاملاً مثبت است و از رفاه نسبی بردگان و لباس ای فاخر آنها و ارزش و اعتبارشان در دربارها سخن رانده شده است. پژوهش های دیگری نیز درباره بردگان و برده داری صورت گرفته است و از آنجا که به عنوان پیشینه این نگاره مورد استفاده قرار گرفته اند، به معرفی برخی از آنها می پردازیم:

«**بررسی سرنوشت و جایگاه اسرا و برده های ایرانی دوران فتوح**» را ساسان طهماسبی در سال ۹۸ نگاشته است و درباره و ضعیف بردگان و اعزاز و ا سارت آنها به سرزمین های عربی و یا یادگیری علوم و تبحر بردگان در م سائل دیوانی سخن رانده است. «**نقش غلامان و بندگان ترک در جامعه ایرانی از آغاز سامانیان تا فروپاشی ایلخانیان**» عنوان پایان نام ای است که توسط سیده حلیمه بذرمش به راهنمایی دکتر علی بحرانی پور در سال ۹۴ در دانشگاه شهید چمران اهواز نگارش یافته است. در این پژوهش ورود ترکان به ایران در زمان سامانیان مهم ترین و سرنوشت سازترین حوادث سیاسی و اجتماعی ایران دانسته شده که با آغاز سلطنت غلامان ترک و نقش غیر قابل انکار در اداره حکومت های ایران اشاره شده است. پایان نامه دیگری در دانشگاه خوارزمی در رشته علوم قرآن و حدیث با عنوان «**بررسی رویکرد مفسران معاصر پیرامون بردگی در قرآن**» در سال ۹۵ نگاشته شده است که معصومه صالحی به راهنمایی روح الله نجفی به رشته تحریر درآمده است. در این پژوهش نیز برده داری در اسلام توجیه شده است و سپس به تفاوت دیدگاه مفسران پرداخته است که در اندیشه مفسران نخستین بردگی و کنیزی موضوعی کاملاً طبیعی بوده است اما گذشت زمان و تحولات اجتماعی باعث دگرگونی در اندیشه مفسران گشت به گونه ای که کسانی چون زمخشری، بردگی را خواری و پستی می دانند. «**بردگی و برخی احکام اسیران جنگی در قرآن و سنت**» پایان نامه دیگری است که افسانه ریاضی به راهنمایی غلامحسین تاجری نسب در دانشکده اصول قم نگاشته شده و باز هم تفکر متفاوت اسلام نسبت به بردگی را بیان می کند و می نویسد الغا نمودن برده داری در جامعه آن روز موجب زیان هایی می شده است. «**راه حل مسأله بردگی**» را سلیمان شاهد مفسر (۱۳۵۴) نگاشته است و محمود حکیمی آن را ترجمه کرده است. شاهد مفسر به عنوان یک مبلغ دین اسلام در آمریکا، نظرات خود را درباره مسأله بردگی بیان می کند و با ذکر آیاتی چند از قرآن کریم به بهتر شدن اوضاع بردگان در دین اسلام اشاره کرده اند. «**حقوق اسیران جنگی: بردگی اسیران**» را علی اکبر حسنی در ۱۳۷۰ به انجام رسانیده است و مجدداً به اسلام و مسأله بردگی پرداخته است. عبدالرضا عرب ابوزید آبادی «**بردگان از جاهلیت تا اسلام: تحلیل و بررسی تاریخی**» را نگاشته است و به تبیین علل و انگیزه های پذیرش و الغای بردگی در اسلام با مقایسه تطبیقی میان و ضعیف بردگان در دوران جاهلیت و اسلام و همچنین تبیین تاریخی رفتار و برخورد پیامبر اعظم (ص) با بردگان پرداخته است. این پژوهش در سال ۸۵ در نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش در ۵۰ صفحه به چاپ رسیده است. مقاله «**برده داری مدرن**»



**در فقه و حقوق کیفری»** در پاییز ۸۸ در فصلنامه تخصصی الهیات نامه از معصومه رضاپور پرشکوهی به چاپ رسیده است که در آن به بحث درباره بردگی در ادیان یهود، مسیح، عرب جاهلی و دین اسلام می پردازد و سپس به ارائه اسنادی از قاچاق و تجارت انسان، به کار کشیدن کودکان و استثمار افراد و به اصطلاح به برده داری مدرن می پردازد.

### تاریخچه برده داری

تاریخ دقیق شروع بردگی در جوامع بشری کاملاً معلوم نیست. برخی آن را مربوط به دوره شکار دانسته و گروهی آن را از دوره کشاورزی می دانند. فردینان توتل در فرهنگ و معجم خود نوشته است که «بردگی در نزد قدیم ترین اقوام یافت می شود و برده از ا سیران جنگی گرفته می شد» (ح سنی، ۱۳۷۰: ۵۸) تاریخ برده داری فراتر از مرزهای نژادی و جغرافیایی است و هر نژادی اعم از سیاه و زرد و سفید و سرخ هم برده بوده و هم برده دار و حتی خود برده ها هم برده داشتند. واژه برده از ریشه اسلاو است، نام قومی و اجدادی گروهی از مردم در اروپای مرکزی و شرقی که از قرن پنجم تا سیزدهم به شدت و به کرات مورد حمله قرار می گرفتند و به بردگی گرفته می شدند. پدیده بردگی از زمان آغاز تاریخ ثبت شده و بخشی از جامعه بشری بوده است. ارجاعات واقع بینانه به بردگان به مثابه کارگران اجیر شده و بی اجر و مزد را در داستان آفرینش در کتاب مقدس می توان یافت. (ال. ماخت و مری هال، ۱۳۸۵: ۱۰)

### بردگی در ایران

خرید و فروش برده در ایران حتی در زمان نخستین سلسله های بعد از اسلام هم ادامه داشت و سلاطین و بزرگان به خرید کنیزان زیبا برای خدمت در حرمسراهایشان رغبت نشان می دادند و برای یافتن بهترین غلامان به وسیله برده فروشان در تلاش بودند. در این روزگاران پس از آنکه امیران این سلسله ها به ثروت و مکنّت زیادی می رسیدند به خرید کنیزکان بیشتری روی می آوردند و آنچه حائز اهمیت است بردگی جنسی این کنیزکان است. البته قابل ذکر است که این بردگان که تا آن حد به امیران نزدیک می شدند گاهی موفق به قتل و از پای درآوردن اربابان شهوت پرست خود می شدند. آنگونه که در متون تاریخی ذیر شده است طاهر (از بنیان گذران سلسله طاهریان) خود به دست یکی از کنیزکانش به قتل رسید. تاریخی گواهی می دهد سلاطین دوره غزنوی نیز بر همان عهد پیشینیان خود بودند. «چون سلطان محمود این چنین می پسندید و این چنین می خواست لذا از اطراف و اکناف برایش پسران و دختران زیباروی فرستاده می شد، چنان که خاتون ارسلان ملکه ترکستان عادت داشت که هر سالی امیر محمود را غلامی نادر و کنیزکی دو شیژه خیاره فرستادی بر سبیل هدیه...» (مدرس رضوی، ۱۳۹۴: ۳۶۲). در دوره سلاجقه نیز تعداد غلامان سلطان فراوان بود و حتی بعضی از وزیران چندان غلام داشتند که از اجتماع آنها یک قدرت جنگی به جود می آمد. زندگی این بردگان تیره روز متفاوت بود یا در جنگ ها کشته می شدند و یا اگر از زیبایی بهره ای داشتند بازیچه شهوت امرای این عهد بودند. هر چند گاهی آنها را به بهای گزاف می خریدند و سلطانی چون سنجر، مال و جان خود را فدای این مملوکان می کرد ولی آنها در حقیقت بردگان جنسی این سلاطین محسوب می شدند.



سلطان سنجر چون عاشق غلامی به نام سنقر شد او را به ۱۲۰۰ دینار خرید و دستو داد برایش سرپرده‌ای چون سرپرده‌ی سلطان بزنند و ده هزار سوار به او اختصاص دهند. اما به نظر می‌رسد این فقط ظاهر ماجراست چون بعد از تمتع از این بردگان بیچاره آن‌ها را به شکل‌های فجیع از بین می‌برد. در مورد سنقر نیز که این همه برای او ارج و منزلت قایل بود، دو سال بعد جمیع امرا و رجال را فرمان داد که در اتاقی گرد آیند و هنگامی که او سنقر را به درون می‌خواند با دشنه بر او حمله برند و پاره‌پاره‌اش سازند و امرای او نیز چنین کردند و آن بنده‌ی سیه‌روز را این گونه از بین بردند. (آزاد، ۱۳۵۷: ۱۷۱) در مطالعه‌ی سیاحت‌نامه‌ی جرج شاردن که از منابع باارزش تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران است نیز به اطلاعات مهمی درباره‌ی برده‌داری در ایران دست یافتیم. شاردن در ارائه‌ی گزارشی از وضع مردم کلشید به برده‌هایی که از آن کشور به ایرانیان فروخته می‌شدند اشاره کرده است. «از دیر زمانی سالیانه در ست دوازده‌هزار نفر از مردم مینگرلی فروخته شده و یا با کالا مبادله گردیده است. اینهمه زنان و مردان نصیب مسلمانان، ایرانیان و ترکان می‌گردد. کنیزان و غلامان مزبور غیر از مشتری و مالک آینده در روی زمین کسی را ندارند. ترک‌ها از تجارت در کشور کلشید خیلی سود می‌برند مخصوصاً از خرید و فروش کنیزان و غلامان منافع هنگفتی عایدشان می‌شود. (شاردن، ۱۳۳۵: ۱۸۰) در جلد دوم سفرنامه نیز آنجا که از تفلیس به تبریز می‌آید چیزی که بیشتر از همه موجب انزجارش می‌شود مشاهده بازار برده‌فروشان است. «در این سیه‌چال یا زندان بردگان که کنیزان و غلامان بدو شامگاهان زیر زنجیر قرار گرفته و صبحگاهان از قید آهنی به طور موقت آزاد می‌شدند، جز تنفر شدید و زندگی شنیع و شنیع و حزن‌آمیز در این تیره‌بختان سیه‌روز چیزی دیده نمی‌شد. صدای منحوس این رشته زنجیرها مدام روح مرادچار شکنجه و عذاب می‌ساخت. معمولاً در سپیده صبحدم ساحل آتشی فروخته می‌شد و بدین طریق حضور بردگان جدید و امتعه دیگر برای معاملات اعلام می‌گشت... در سفینه ما هنگام خروج من از آن، چهل برده و بنده وجود داشت که تجار آن‌ها را به قیمت‌های خیلی گزاف و گران و خیلی بیشتر از دو برابر قیمت تمام شده به مشتریان تسلیم می‌کردند. معمولاً غلامان بیست و پنج تا چهل ساله برای بازرگانان پانزده‌اكو تمام می‌شد و بردگانی هم که هشت و یازده سال بیشتر عمر داشتند، به همین قیمت معامله می‌گشت. کنیزان زیبای سیزده تا هیجده ساله بیست اكو در می‌آمد ولی آن‌ها که سن و سالشان بیشتر و یا وجاهتشان کم‌تر بود، ارزان‌تر تمام می‌شد. معمولاً زنان دوازده و کودکان سه یا چهار اكو قیمت داشتند.» (همان: ۲۱) در ادامه در توصیف یکی از این کنیزکان زیبارو از او به عنوان مه‌پاره‌ای عابد فریب یاد می‌کند که آدم با دیدنش دچار دو حس مخالف و متضاد می‌شود: اشتها و شهوت و رقت و رحمت.

### بردگی جنسی

کنیزان و غلامان جز اموال بی‌قید و شرط اربابان محسوب می‌شدند و با وجود بیگاری گرفتن، برده جنسی اربابان خود نیز بودند. نیاز یک مرد به لذت جنسی بسیار بااهمیت‌تر بود تا نیاز همسرش به غذا و مراقبت پزشکی. بنابر این حبس کردن چنین زنی چندان نادر نیست اما مرد باید آزاد باشد. نیازهای حکام یا صاحبان ثروت همواره بر احتیاجات آنان که تحت



حکومت ایشانند، رجحان داده می شود و نیاز ارباب به استراحت و تفریح حیاتی تر است تا نیاز نوکر یا برده به غذا و خواب. در اروپای قرون و سطا فتودال این حق را داشت که نخستین شب ازدواج هر دختر جوانی را که خانواده وی در املاک او می زیستند و یا شوهر آینده وی یکی از رعایای او بود، به خود اختصاص دهد. این حق توسط پادشاه، فرمانروا و یا ولیعهد در غیاب آنها به فتودالها تفویض می شد. این عرف در لاتین «حق شب نخست نامیده شده است. (رواندی، ۱۳۸۴: ۵۳۲) سالیان طولانی و در کشورهای مختلف جهان زنان جز اموال مردان محسوب می شدند که نمونه هایی از آن را در سرزمین های مختلف جهان ذکر می کنیم. از آغاز شکل گیری تمدن و شهرنشینی در بین النهرین و رشد جوامع شهری باعث سلطه مرد سالاری بود و جنسیت زنان به مالکیت مردان درآمد و پاکدامنی جنس زن و بویژه بکارت او قابل چانه زنی و به لحاظ اقتصادی دارایی ارزشمندی محسوب می شد. برخی استدلال می کنند که روسپیگری و تحمیل حریم های غیر قابل عبور میان زنان و همسران «محترم» و زنانی که به لحاظ جنسی برای هر مردی در دسترس بودند، از اینجا پدید آمد. با غلبه پی در پی دولت شهرهای متفاوت بر منطقه بین النهرین قوانین م سلط بر خانواده پدر سالار تغییر کرد و به طور فزاینده ای نسبت به زنان خشن تر و محدود کننده تر شد. برای مثال قوانین حمورابی (حدود ۱۷۵۲ ق.م) زمانی را که یک مرد می تواند همسر یا فرزندان را گرو بگذارد، به سه سال محدود کرد و صریحاً زدن یا تعدی به زن را ممنوع کرد. اما قوانین متأخر آشور (حدود ۱۲۰۰ ق.م) این اقدامات حفاظتی را ملغی کرد و آشکارا کتک زدن گروگان، سوراخ کردن گوش ها و کندن موها را جایز شمرد. قانون آشور به شوهر اجازه می داد هنگام تنبیه موی زن را بکشد، گوش او را ببرد یا بیجانند و در عین حال بی گناه شناخته شود. در هر حال در سرتاسر دولت شهرهای متعاقب آن، قدرت و اقتدار منحصراً در اختیار پدر و شوهر بود. در متنی متعلق به اواسط هزاره سوم پیش از میلاد، گفته شده که اگر زنی با شوهرش مخالفت کرد، می توان دنده هایش را با خشت داغ خرد کرد. بر اساس قوانین آشور تجاوز به باکره جنایت محسوب می شد اما نه به دلیل رفتار غیر انسانی با یک زن بلکه چون به پدر خانواده لطمه اقتصادی وارد شده بود (لیلا احمد، ۲۰۱۲: ۱۴) به نظر می رسد این بندگی جنسی صرفاً مربوط به زنان نبود و در ادبیات فارسی و شعر سبک عراقی نمونه هایی از روابط با غلامان قابل مشاهده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

### بردگی در ادبیات

معاشقه شعرا با کنیزکان خوبرو از اواخر قرن سوم هجری معمول شد، هر چند برخی تذکره نویسان سابقه ای امر را به اوایل قرن سوم منتسب می دارند، آنجا که مؤلف مجمع الفصحا در شرح حال محمود وراق هروی شاعر قرن سوم می نویسد که این شاعر معاصر طاهریان و صفاریان بوده و گویند: «کنیزکی داشته صاحب حسن صورت و محمبن طاهر طالب ن شده و با دو همیان زربه خلنه او لندر آمده و چون معلوم نمود که خواجه و کنیزک را به یکدیگر تعلق خاطر است، آن خواهش را عین بی انصافی دانسته و زرها را به خواجه بخشیده بیرون آمد (وزین پور، ۱۳۷۴: ۷۴) از سده پنجم هجری معا شقه با کنیزکان،



غلامان و امردان میان شاعران فزونی گرفت و شاعران مدیحه سرا که اغلب ثروتی از صلوات پادشاهان غزنوی اندوخته بودند، جز لذت چیزی ج دستجو نمی کردند. شوربختانه منشاء غالب انحرافات خود سلاطین بودند. که سانی چون محمود غزنوی شاعران را به و صف جمال و حرکات غلامان برمی انگیخت و از او صاف آنان در مورد محبوب خود به نهایت سرمستی و شادی می رسید و پادشاهایی بزرگ به شاعران می بخشید.

### سبک خراسانی

سبک خراسانی به سبک رایج قرن های ۴ و ۵ و ۶ گفته می شود که دوران حاکمیت سلسله های سامانیان، غزنویان و سلجوقیان است. بنابراین به منظور بررسی برده داری و تجلی آن در این سبک به روی کار آمدن این سلسله ها و حیات سیاسی، وضعیت اجتماعی و ادبی آنها می پردازیم. در دوره سلطنت سامانیان که دادن صلوات گران به شاعران مرسوم شد، بیشتر شاعران به مال و مکتب بسیار دست یافتند و از جمله تجملاتشان خرید کنیزکان بود که با آنان نرد عشق می باخندند و اشعاری در وصفشان می سرودند که در تذکره ها و دیوان اشعار شاعران آن زمان و دوره های بعد به وفور دیده می شود. البته در عهد حکومت سامانی دربار شاهان نسبت به دوره ی بعد، یعنی غزنویان آلودگی کمتری داشت و تا حد زیادی عاری از مفاسد گوناگون بود. شاعران در خانه خود کنیزکانی نگه می داشتند و ایام خود را وقف عشرت و معاشرت با این کنیزکان می کردند، اما از زمان غزنویان به سبب وجود انحرافات اخلاقی، شاعران نیز به تبعیت از روش ملوک خود، گرفتار انواع مناهی و فساد شدند و در اشعارشان آشکارا از عشق خویش به غلامان سخن ها آوردند و بسیاری از شاعران در ابتدای مدایح خود از کنیزکان و غلامان و اعمال هوس آلود خود یاد می کنند (ر.ک: وزین پور، ۱۳۷۴: ۷۳)

با ورود تعداد زیادی از غلامان ترک به دستگاه های حکومتی سامانیان و نقش مؤثر و غیرقابل انکار آنها در نظام حکومتی جامعه ایران، تلاشی که برای رسیدن یک پادشاه به حکومت و یا عزل و خلع و یا حتی قتل او داشتند و به طور کلی، دلاوری و جنگاوری آنها سبب شد تا همین بردگان ترک درباری به مقامات بالایی برسند. مطالعه تاریخ دوره سامانیان نشان می دهد که در زمان برخی پادشاهان قدرت این غلامان ترک به حدی افزایش پیدا می کرد که هیچ یک از دولت مردان یارای مقابله با آنها را نداشتند و این موارد نشان از قدرت غلامان ترک بر دربارهای شاهان سامانی بوده است. «در بسیاری از موارد فرماندهی سپاهیان سامانی با غلامان ترک بود و آنها قدرت زیادی در سرکوبی مخلفان و شورشیان داشتند و شاهان در لشکرکشی های خود از این غلامان استفاده می کردند.» (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۱۲۲) همان غلامانی که بعدها با مساعد شدن او ضاع در دربار پادشاهان حضور فعال داشتند و در قصاید شاعران با عنوان «ترک پسر» مورد خطاب قرار گرفته و در وصف زیبایی و جنگاوری و سایر مهارت های آن شعر سروده شده است.

درباره شکوه و رونق مادی عصر سامانیان و روی کار آمدن امرا و وزرای فرهنگ دوست و دانشمند و به دنبال آن رونق شعر و ادبیات عصر سامانی شواهد فراوانی وجود دارد. در جلد دو تاریخ حبیب السیر آمده که «به علت وضع مطلوب و رونق مادی





بود که امرای سامانی دربار خویش را در بخارا نه تنها مرکز دانش‌های سنتی عربی بلکه کانون احیای ادبیات و زبان فارسی ساختند و فردوسی نظم حماسه ملی ایرانیان را آغاز کرد. رودکی نیز شاعر مشهور عصر سامانیان است که اشعار فراوانی سروده است اما جز اندکی از او باقی نمانده است. در زمان سامانیان حتی شاعران نیز با توجه به مقامشان در دربار غلام داشتند و رودکی که در زمان نصر بن سامانی می‌زیست، دو بیت غلام خدمتکار داشت. «خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۰۸». بسیاری از این غلامان، زیبارو بودند و حضورشان در مجالس پادشاهان بخش مهمی از مضامین تغزلی شعر را ساخته است. در قصیده «مادر می» رودکی حضور این غلامان زیبارو اینگونه توصیف شده است:

ترک هزاران به پای پیش صف اندر  
هر یکی چو ماه بر دو هفته درفشان

از کف ترکی سیه چشم و پرروی  
قامت چون سرو و زلف کانش چو گان  
(نفیسی، ۱۳۸۷: ۴۸۱)

این ترکان زیبارو که در حقیقت غلامان و بردگان بودند رفته رفته به جز مهم این مجالس و دورهمی‌های درباری تبدیل شدند و به اشعار شاعران درباری راه می‌یافتند. در بسیاری از موارد نیز این غلامان به معشوق شاعر و یا پادشاهان تبدیل می‌شدند که عشق محمود غزنوی به غلام خود ایاز نمونه بارز آن در ادبیات فارسی است. نکته مهم قابل ذکر در این پژوهش این است که این غلامان در حقیقت همان برده بوده‌اند و غلام و برده تعریف یکسان و عنوان متفاوت دارند چرا که بر اساس تعاریف «برده از سانی است که قانون او را در ملک دیگری می‌داند، در شدیدترین حالت او کاملاً فاقد حقوق و صرفاً یک مال منقول است» (شایان مهر، ۱۳۸۵: ۵۳۰). البته وقتی غلام یا برده به معشوق یک شخص تبدیل می‌شد شرایط بهتری برای او قابل تصور بود و قطعاً نباید او را با بردگان و اسیران جنگی در عرب جاهلیت و تاریخ برده‌داری مقایسه کرد، بلکه باید با دقت نگرین است که هر چقدر این غلامان معشوق در دربارهای پادشاهان شرایط زندگی به نسبت مطلوب‌تری داشتند اما از آنجا که تحت مالکیت دیگری بودند و نحوه زندگیشان با دستور شخص قدرتمند دیگری که مالک آنها بود تعیین می‌شد، برده بودند. قابل ذکر است که این بردگان همیشه از جنس مذکر نبوده‌اند که با زیبایی خیره‌کننده خود در مجالس میگساری، به قصاید شاعران مشهور دربار راه می‌یافتند بلکه سخن گفتن از کنیزکان زیبارو نیز در شعر شاعران سبک خراسان دیده می‌شود.

هدهد چو کنیزکی است دو شیزه  
پازلف ایاز و دیده فخری

(دبیرسیاقی، ۱۳۸۵: ۱۰۸)

همی خرید و همی سخت، بی شمار درم  
به شهر هر که یکی ترک نارستان بود

(نفیسی، ۱۳۸۷: ۱۰۹)



غلام زیباروی که به دلیل توجه خاص پادشاه به او در شعر فرخی سیستانی، امیر ایاز اویماق توصیف شده است. فرخی علت عشق پادشاه به او را زیبایی و دلاوری اش دانسته است. این دو ویژگی را می توان از امتیازها این بردگان ذکر کرد و القصه بخت و اقبال را قرین آنها ساخته است تا به عنوان معشوق، دارای امتیازهای خاصی چون مجالست دائمی با پادشاهان باشند و به قصاید شاعران مشهور راه یابند. شمیسا در شاهد بازی به ترکیب «معشوق بنده» اشاره می کند یعنی شاعر، عاشق بنده فرد دیگری شده است و بنده دور از چشم خواجه خود با شاعر سر و سرّی دارد. بهترین نوع معشوق بنده، ریدکان هستند یعنی غلامان کم سن و سال زیبارویی که در عنوان جوانی اند و سبزه عذار ندارند. این لغت در ادبیات سبک خراسانی زیاد به کار رفته است و فرخی از ریدکان سرایی یعنی غلامان خانه زاد که در دربارها و سرای بزرگان می زیستند، نام برده است.

ز ریدکان سرایی چو ژاله بر سر آب      بدان کناره فرستاد کودکی سه چهار  
(فرخی سیستانی، ۱۳۹۲: ۱۶۳)

ریدکان خواب نادیده م صاف اندر م صاف      مر کبان داغ نا کرده قطار اندر قطار  
(همان: ۴۲)

همچنین در شعر فرخی به غلامان هندویی که بدون ناز و ادا تسلیم روابط جنسی می شوند اشاره شده است و همچنین به فراوانی کنیزان و غلامان زیباروی خود اشاره می کند و آنها را دلبر خطاب می کند.

هندوان شوخک و شیرینک و خوش بانمکند      نیز بی م شغله با شنند گه بوس و کنار  
(فرخی سیستانی، ۱۳۹۲: ۱۷۳)

مر کبان دارم نیکو که به راهم بک شدند      دلبران دارم خوش رو که در ای شان نگرم  
(همان: ۲۳۱)

درباره قالب رایج سبک خراسانی و قصیده و مدحها و صله های که سرایندگان دریافت می کردند و در حقیقت قصد آنها از سرودن این قصاید، همان بوده است، در تاریخ های ادبیات مفصل بحث شده است و در اینجا از پرداختن به آن صرف نظر می کنیم. آنچه در اینجا قابل ذکر است این است که در قصیده خود شاعر محوریت و موضوع اصلی نبوده است بلکه آن را در ستایش پادشاهان و پسند و خواست آنها می سروده اند، بنابراین در بسیاری موارد از معشوق پادشاهان سخن می گفتند که غلامان و بردگان زیباروی دربار آنها بودند و از مهارت و توانایی آنها سخن گفته اند و در نهایت ابیات بسیاری از قصاید به مدح و وصف این بردگان و غلامان اختصاص یافته است. بخشی از قصیده فرخی که پیشتر به آن اشاره کردیم و در وصف یکی از بردگان معشوق که مورد عنایت خاص سلطان بود، سروده شده را ذکر می کنیم:

سواری کز در میدان درآید      به حیرت در فتنه دل های نظار



د گر گوید گلی تازه است بر بار

یکی گوید که آن سروی است برکوه

دل مود را بازی م پ نادر

نه بر خیره بدو دل داد مود

جز او سلطان غلامان دشت بسیار

جز او در پیش سلطان نیز کس بود

(فرخی سیستانی، ۱۳۹۲: ۱۶۲)

در شعر منوچهری دامغانی نیز توصیفات فراوانی از این غلامان که که گاهی با عنوان معشوق خطاب شده‌اند، دیده می‌شود. این غلامان و بردگان در دربار پادشاهان به مشاغل مختلفی می‌پرداختند، عده‌ای شغل شرابرداری داشتند و عده‌ای دیگر به چنگ‌نوازی و دیگران به کارهایی از این قبیل در دربار می‌پرداختند. پیش‌تر درباره دربار پر شکوه و رفاه فراوان مردم در دوران این پادشاهان سخن گفتیم، طبیعی است که وقتی جنگی در کار نباشد که این غلامان و بردگان با نیرو و مهارت جنگاوری خود به دفاع بپردازند، در جای دیگری به ارائه خدمات بپردازند.

از دل ابدال بگریزد به صدف سنگ، سنگ

بینی آن ترکی که او چون برزند بر چنگ، چنگ

هر دو دست خویش ببریده بر او مانند چنگ

زنگی گویی بزد در چنگ او در چنگ خویش

روی معشوق تو روم است و سیه زلفش چو زنگ

گاه سوی روم شو گاهی به سوی زنگ شو

(دبیرسیاقی، ۱۳۸۵: ۶۳)

منوچهری از شاعران دربار غزنویان بود و غزنویان غلامان ترک‌نژادی بود که با قدرت گرفتن، باعث سقوط سامانیان شدند. بعد از غزنویان سلجوقیان بر سر کار آمدند. دوره سلجوقی دوره غلبه عنصر ترک از قبایل زردپوست و غلامانی بود که از طوایف قفقاز و ترکمان و غیره می‌آوردند. تمام دربارها و خانه‌های رجال را در این دوره غلامان ترک فراگرفته بود. در آسیای مرکزی سربازان مزدور ترک که بردگان اعراب بودند، سلسله سلجوقی را به سلطنت و بزرگی رساندند با این حال سربازان ترک مانند بردگان به گونه‌ای انفرادی به خدمت سپاهیان سلجوقی درمی‌آمدند.

درباره نقش کنیزان و غلامان در موسیقی و مهارت آنها در نوازندگی نیز در شعر شاعران نمونه‌هایی یافت می‌شود. با توجه به ارزش و اهمیت موسیقی در شعر و در دوره‌های مختلف، غلامان و کنیزانی که در این هنرها مهارت داشتند، از ارزش و اهمیتی برخوردار می‌شدند و با توجه به اینکه این کنیزان از ملل و سرزمین‌های مختلفی بودند، هر کدام از آنها آداب و رسوم قوم خود و شیوه‌های خاص نوازندگی را ترویج می‌دادند.



## دوره سلجوقی

درباره غلامان ترک در عصر سلجوقی در تواریخ آمده است: «از غلامان ترک که در آن عهد خریداری می شدند به صورت های مختلف استفاده می شد و دسته ای از آنها بازیچه شهوات امرای این عهد بودند و رفتار بعضی از سلاطین با آن بیچارگان بسیار وحشیانه بود؛ اما کسانی چون سلطان سنجر نیز غلامی از غلامان را برمیگزید و به او عشق می ورزید و حکم و سلطنت خود را در دست او می نهاد اما چندگاهی بعد که دیگر به کار او نمی آمد، به نحوی خاص او را از بین می برد. (صفاء، ۱۳۸۷: ۷۱) بنداری اصفهانی نیز از حضور تعداد زیادی از غلامان کم سن و سال در حرم سلاطین سلجوقی می نویسد که بعضاً میان امیران تقسیم می شدند و باعث افزایش فساد در دستگاه های کشوری و در میان دولت مردان بودند که در نهایت یکی از دلایل مهم سقوط سلجوقیان بود. (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶: ۱۴۱) در ادامه این فساد اخلاقی و تمایلات شدید همجنس گرایانه این پادشاهان به غلامان خود در حقیقت جای این پادشاهان و بردگان عوض می شد به گونه ای که این پادشاهان در نزد این بردگان هیچ شأن و ارزشی نداشتند و «پادشاهی چون سلطان سنجر نزد غلامان خود حقیر و بی اهمیت بود و کار یک غلام ترک به نام سنقر به جایی رسیده بود که امرا و رجال دولت را تحقیر می کرد و به خود سلطان هم هیچ اعتنائی نمی کرد.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۵) بنابر این این پادشاهان در برابر غلامان خود در بسیاری مواقع هیچ قدرتی نداشتند. علاوه بر پادشاهان، شاعران نیز به دلیل عشق و علاقه فراوان خود به بردگان زیبارویشان، در برابر آنها هیچ ارزشی برای خود قایل نبودند و مقام خود در حد سگ کوی معشوق پایین می آوردند. یکی از شاعران این دوره سراج الدین قمری آملی است که در رثای غلام خود، سوز و گدازهای عاشقانه ای سر داده و خود را سگ او خوانده است.

ای مهربان من، ز تو شرمم نیامده است تا بی تو می زیم من نامهربان سگ

از آرزوی آهوی چه شم تو هر سحر جانم فغان زار برآرد به سان سگ

(شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۳)

انوری - حضور این بردگان (غلامان و کنیزان) را در زندگی روزمره - چه در سفر و چه در حضر - بسیار ضروری و مفید توصیف می کند و موارد به کارگرفتن آنها را اینگونه شرح می دهد:

شیوه اهل زمانه پیش کن بگزین غلام در حضر بی و خاتون در سفر سفندیار

برزند از بهر تو دامن به وقت گاه زیر برزند خود را به صف کین به گاه کارزار



سال و مه با شد جمه و بو سه را پیدشت چو پار

روز و شب دوزنده خصم و عدو با شد به تیر

هم غلام و هم کنیزک هم پیاده هم سوار  
(انوری، ۱۳۶۴: ۲۶۲)

هم حریف و هم قرین هم ندیم و هم رفیق

او نیز مطابق رسم زمانه همانگونه که ذکر شد، خود را بنده و غلامِ غلامانِ خوبروی خود می‌دانسته است و در حقیقت هم بنده و هم مولای آنها بوده است، بعضاً نیز انوری در مدح‌ها تا آنجا پیش می‌رفت که جایشان عوض می‌شد و شاعر تو خداوندی و من بنده‌ام سر می‌داد.

تو خداوندی و من بنده‌ام  
(انوری، ۱۳۶۴: ۱۴۰)

به دو چشم تو که تا زنده‌ام

که چو من بنده و مولای تو نیست  
(همان، ۹۹)

کس ندیده است رخ خوب تو را

افتاده در دو پای تو از آرزوی تو  
(همان: ۲۵۴)

ای من غلام آن خم‌گیه سوی مشکبوی

سنایی نیز در وصف غلامان زیباروی و پسرانی که نقش ساقی را در مجالس می‌گساری ایفا می‌کرده‌اند، از دیگران بازمانده و به صراحت، تقاضای کامرانی کرده است در حالی که آنها را ای غلام خطاب می‌کرده است، که یا باید به او بوسه بدهند و یا مجلس را ترک کنند.

می ز جام خ سروانی در قدح ریزای پسر

مجلس ما از جمال خود برفروزای غلام

یک زمان با ما به کام دل برآمیزای پسر

یک زمان با ما به خلوت می بخور خرم بزی

دل بنه بر بو سه دادن هیچ مستیزای پسر

عاشقان را از کنار و بو سه دادن چاره نیست

ورنه زود از پیش ما برخیز و بگریزای پسر  
(حکمت، ۱۳۹۰: ۱۶۹)

گر توانی کرد با ما زندگی زین سان درآی



## سبک عراقی

تفاوت اساسی این است که در سبک عراقی، نوع رابطه عاشق و معشوق، بر خلاف آنچه تاکنون ذکر کردیم است و معشوق در حکم ارباب یا پادشاه و فرماندار است و عاشق مطیع، بنده و فرمانبردار که در برابر معشوق به هر گونه خواری و ذلتی تن می‌دهد. در این دوره «معشوق به منزله پادشاه در گفتمان عشق، بنیاد قطبی سازی است همان گونه که در گذشته اجتماع به دو قطب فرماندار و فرمانبردار تقسیم می‌شد و قدرت در دست عده‌ای خاص بود که در جهت منافع خود، بر عده دیگری اعمال می‌کردند.» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۷) در این دوره نیز قدرت برتر، معشوق است و هر گونه که بخواهد به حکمرانی می‌پردازد. سعدی در ابیات فراوانی معشوق را پادشاه خطاب کرده است که حاضر با میل و رغبت به خدمتکاری او پردازد.

خدمت را هر که فرماید کمر بندد به طوع      لیک آن بهتر که فرماید به خدمتکار خویش

(یوسفی، ۱۳۹۴: ۳۲۲)

بندگان را نه گزیرا ست ز حکمت نه گزیر      چه کنند از بنوازی و برانی خدمند

(همان: ۲۹۹)

سعدی، عاشقان را با تعبیری چون خدام، بندگان، خلق و بیچارگان یاد می‌کند که شاید اشاره‌ای به رابطه رعیت و اربابان و یا پادشاهان زورگو زمانه خود داشته باشد. البته در بسیاری از موارد هم معشوق در حقیقت غلامی است با منتهای زیبایی که با عنوان ساقی، شاعران عاشق را مست و حیران خود می‌سازد. «مغیچه باده فروش» دیوان حافظ نیز در حقیقت همان غلام زیارویی است که در میکده‌ها به خدمتگزاری می‌پردازد و در حکم ساقی و معشوق شاعر نیز به کار می‌رود و بعضاً خود در تملک فرد صاحب میخانه بودند. مغیچه از محبوب‌ترین چهره‌های شعری حافظ، خدمتکار خوبروی خرابات است. در فرهنگ معین مغیچه به معنای فرزند مغ و اصطلاحاً پسرکی که در میکده‌ها خدمت می‌کند است (معین، ۱۳۶۹: ذیل مغیچه)

مغیچه‌ای می‌گذشت راه زن دین و دل      در پی آن آشنا، از همه بیگانه شد

(ثروتیان، ۱۳۹۰: ۱۱۵)

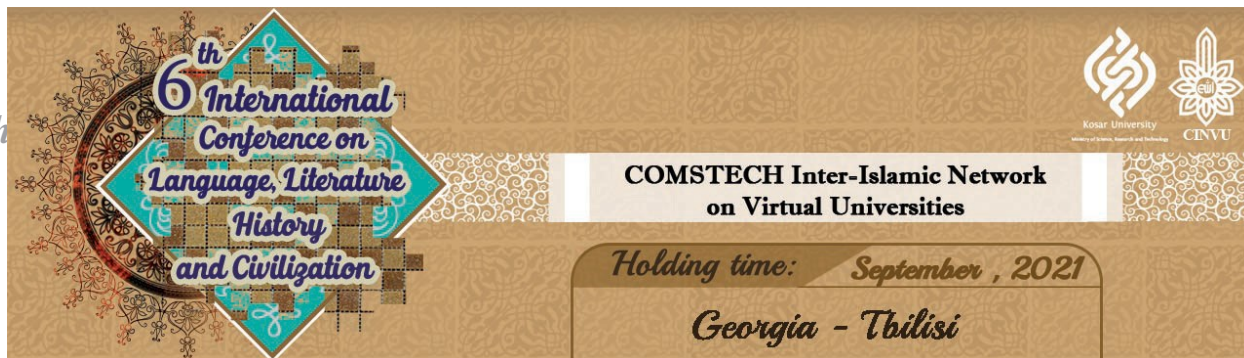
من به خیال زاهدی گوشه‌نشین و طرفه آنک      مغیچه‌ای ز هر طرف می‌زنم به چنگ و دف

(همان: ۲۸۳)

سعدی در غزلیات نیز به صراحت خود را برده و غلام دوست یا معشوق و هر زیارویی می‌داند و این واژه در اشعار او بسامد بالایی دارد. ترکیباتی چون غلام ممدوح، غلام دوست، غلام قامت، غلام همت در شعر او بسیار به کار رفته است.

ز حد گذشت جدایی میان ما ای دوست      بیا بیا که غلام توام بیا ای دوست

(یوسفی، ۱۳۹۴: ۱۰۳)



در بوستان سعدی نمونه هایی یافت می شود که در ابتدا شخصی عاشق غلامی می شود، بعد او را می خرد و رابطه عاشقانه میان ارباب و برده آغاز می شود. از فحوای برخی از متون نظم و نثر این دوره چنین بر می آید که در بسیاری از موارد هدف از خریدن غلامان و بردگان، در حقیقت استفاده از آنها به عنوان بردگان جنسی بوده است و معشوق در حقیقت برده ای بود که باید به خواسته های شهوانی ارباب خود که نقش عاشق و شیفته او را بازی می کرد تن دهد.

در این شهر باری به سمع ر سید که بازار گانی غلامی خرید

شبانگه مگرد ست بردش به سبب که سیمین زنج بود و خاطر فریب

(یوسفی، ۱۳۹۲: ۳۳۱)

درباره وضع زندگی بردگان (کنیزان و غلامان) در شعر فارسی سبک خراسانی و عراقی بحث کردیم که شرایط زندگی نسبتاً مناسبی داشتند و بعضاً صاحب قدرت فراوانی بودند و پادشاهان و اربابان آنها گاهی بازیچه دستشان می شدند و شاعران درباری به ستایش توانایی های آنها می پرداختند. البته همیشه هم اینگونه نبود و در دوره هایی نیز بنا به گواهی همین اشعار شاعران، شاهد زندگی سخت برخی از این غلامان و بردگان هستیم. شمیسا می نویسد: غلامانی که در تغزل قصاید معشوق بوده اند و اشعاری در وصف زیبایی های آنها سروده شده، در خدمت لشکر بودند و گاهی نیز به عنوان برده جنسی به کار گرفته می شدند. این غلامان بخت برگشته روزها در رکاب پادشاهان به جنگ می پرداختند و شب هنگام از آنها خواسته می شد رخت و لباس خود را به یک سو فکندد چرا که مژه های سیاهشان خود بسان تیر در دل پادشاه رخنه می کرد. در اشعار سنایی نیز به نگاه ابزاری و جنسی به آنها اشاره شده است:

خادمان را ز بهر آن بخرند تا به رخسارشان فرو نگرند

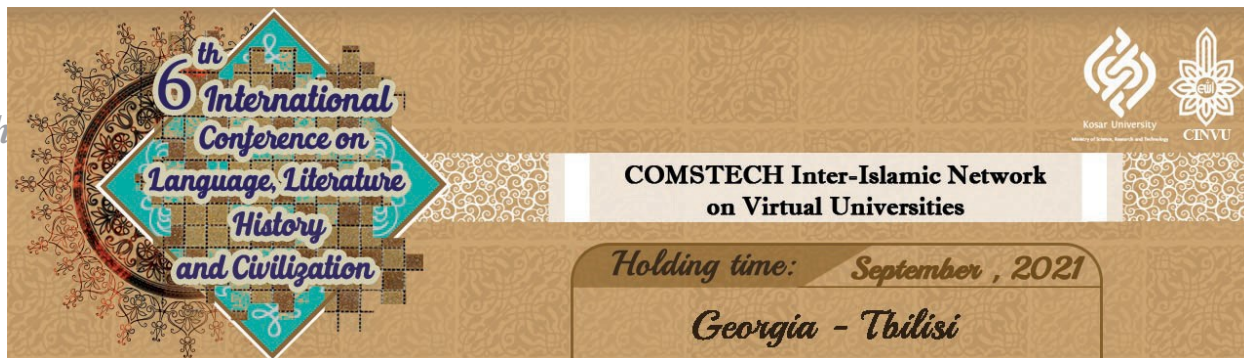
(حکمت، ۱۳۹۰: ۱۰۶۵)

نوع دیگری از بردگان، غلامان زشت و سیاه رویی بودند که به نوکری و آشپزی می پرداختند. بیگاری کشیدن از بردگان و ظلم و ستم کردن به آنها امری متعارف بود، به گونه ای که خود نیز سرنوشتشان را می پذیرفتند. در خسرو و شیرین به این غلامان سیاه روی در مطبخ اشاره شده است:

سیاه مطبخی روگونند پیش که داری آسایی نیز در پیش

(دستگردی، ۱۳۹۵: ۲۱۹)

گاهی نیز این غلامان و بردگان می گریختند. درباره ستم کردن بر غلامان و قوانینی که بر رفتار آنها حاکم بود نیز در اشعار فارسی نمونه هایی ذکر شده است. سعدی فرموده است:



که جور قاعده با شد که بر غلام کنند

(یوسفی، ۱۳۹۴: ۷۲۶)

بود پنده ناز نین م شت زن

(یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۶۱)

اگر تو بر شکنی دوستان سلام کنند

غلام آب کش با ید و خشت زن

امروزه برده داری اصطلاحی است که به نظر می رسد به پایان رسیده است، حال آنکه هنوز در جوامع مختلف و حتی در حکومت های اسلامی رواج دارد. هنوز و گاهی در شهرها و روستاهای که سنت جای خود را مدرنیته نداده است پدران و برادران گاهی خود را مالک جان همسر و فرزندان و خواهرانشان می دانند. امروزه شواهد و مستندات بسیاری از وجود پدیده شوم و ننگین برده داری در جامعه ما وجود دارد. علارغم تشکیل نهادهای حمایتی فراوانی و تلاش برای آگاهی مردم از حقوق شهروندی شان هنوز انسان های بسیاری فاقد حقوق یک انسان آزاد هستند.

### نتیجه گیری

ادبیات منظوم ایران از وجود کنیزان و غلامانی حکایت دارد که در مجموعه مطالعات برده داری قابل تأمل است. این کنیزان و غلامان در برخی از ادوار ادبی به قهرمان قصاید و غزلیات تبدیل می شدند و عنوان معشوق را به خود اختصاص می دادند ولی با تمام این ها این رابطه چیزی جز رابطه ارباب-بندگی نبود. مطالعه دقیق ادبیات کلاسیک ایران، اطلاعات مفیدی درباره نوع رابطه ارباب و برده یا رابطه شاعر و غلام زرخرد خود و یا عاشق و معشوق ارائه می دهد. بهره گیری از این غلامان و کنیزان بخت برگشته که در برهه هایی از زمان دارای قدرت نسبی نیز بودند، در این اشعار یافت می شود. مطالعات نشان می دهد اگر در شعر سبک خراسانی به وضوح از کنیز و غلام و در بیشتر موارد غلام زیارویی ترک که سپاهی گری می کند و ساقی است سخن گفته شده و شعر سبک عراقی شاعر در لباس عاشقی شیفته و غلام عارض این زیارویان کنیز و غلام جلوه می کند و حتی مقام خود در حد سگ کوی معشوق پایین می آورد- بحثی که می توان آن را با پدیده «بردگی اختیاری» رایج در روزگار ما مشابه دانست- همه این موارد در حقیقت نشان از رواج برده داری در جامعه آن روز ایران دارد. تاریخ گواهی می دهد پادشاهانی چون محمود غزنوی و سلطان سنجر نیز که به برخی از غلامان خود ارزش و اهمیت زیادی می دادند و شیفته آنها بودند، هر لحظه ای که اراده می کردند هر رفتاری را که مایل بودند با آنها داشتند از به بردگی کشیدن آنها در روابط جنسی تا کوتاه کردن موی سر آنها و حتی قتل و مرگ این غلامان بخت برگشته در دست اربابان شان بود. این وقایع تاریخی بعضاً در شعر شاعران درباری انعکاس یافته است. علاوه بر این نوع رابطه این شاعران-کسانی چون سنایی در سال های جوانی، سعدی و دیگران- با برخی از زیارویان زمان شان که اغلب مذکر بودند، دست کمی از این پادشاهان نداشت همانگونه که نمونه هایی از شعر آنها در متن پژوهش ذکر شده است.





نتیجه نهایی بیانگر آن است که ظلم و ستم بر غلامان به عنوان یک امر پذیرفتنی در ادبیات این اء صرار مطرح بود. به عقیده نگارنده نظام و رابطه ارباب رعیتی حاکم در نوع نگاه شاعران تأثر گذاشته بود و بارها در اشعارشان خود را نشان داده است، مسأله‌ای که امروزه دیگر در ادبیات مطرح نیست.

### منابع و مأخذ

- احمد، لیل (۲۰۰۲)، *زنان و جنسیت در اسلام*، ترجمه فاطمه صادقی.
- انوری، علی بن محمد (۱۳۶۴)، *دیوان انوری*، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- تتوی، احمد و قزوینی، آصف (۱۳۸۲)، *تاریخ الفی*، م صحح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، جلد سوم.
- توماس. ام. ریکس و جی. بی. کلی (۱۳۸۰)، *اعراب و تجارت برده در دریای پارس*، ترجمه حسن زنگنه، شیراز: نوید شیراز.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب‌السیر*، چاپ چهارم، تهران: خیام.
- دستگردی، وحید (۱۳۹۵)، *خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجه‌ای*، چاپ ۱۶، تهران: قطره.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۹۴)، *غزل‌های سعدی*، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، *گلستان سعدی*، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، *بوستان (سعدی‌نامه)*، غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- سنایی، مجدودبن آدم (۱۳۹۰)، *دیوان حکیم سنایی غزنوی*، شاهرخ حکمت، تهران: زوار.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت گفتمان و زبان*، تهران: نی.
- شاردن، جرج (۱۳۳۵)، *سیاحت‌نامه*، ترجمه محمد عباسی، جلد دوم و سوم، تهران: امیرکبیر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، *شاهدبازی در ادبیات فارسی*، تهران: فردوس.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: نگاه.
- فرامرزی، احمد (۱۳۴۷)، *بردگی در جهان*، به کوشش حسن فرامرزی، تهران: ابن سینا.
- منوچهری دامغانی، احمدبن قوس، (۱۳۸۵)، *دیوان منوچهری*، به کوشش سیدمحمد دبیر سیاقی، چاپ ششم، تهران: گلشن.
- نورمن ال. ماخت و مری هال (۱۳۸۵)، *تاریخ برداری*، ترجمه سهیل سمی، چاپ سوم، تهران: ققنوس.
- وزین پور، نادر (۱۳۷۴)، *مدح داغ‌ننگ بر سیمای ادب فارسی*، تهران: معین.
- یارشاطر، احسان و دیگران (۱۳۷۳)، *تاریخ ایران ترجمه: حسن انوشه*، چاپ دوم، جلد سوم، تهران: امیرکبیر.

### مقالات



ابوزید ابادی، عرب (۱۳۸۵). «برندگان از جاهلیت تا اسلام: تحلیل و بررسی تاریخی»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، صص ۱۴۷-۱۰۹.

باقری خلیلی، علی اکبر و محرابی کالی، منیره (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان سیاسی اجتماعی رابطه عاشق و معشوق در غزلیات سعدی»، متن‌شناسی ادب فارسی، شماره یک، صص ۵۶-۳۷.

حسنی، علی اکبر (۱۳۷۰). حقوق اسیران جنگی، بردگی اسیران، فلسفه و کلام: درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱۲، صص ۵۷-۶۰.

حیدری، محمد (۱۳۴۳). الغای بردگی، حقوق: حقوق امروز، شماره ۱۳، صص ۶۰-۶۰.

زرگری نژاد، غلامحسین و علیپور، نرگش (۱۳۸۸). «نگاهی به وضعیت کنیزان، غلامان و خواجهگان در عصر قاجار»، پژوهش‌های تاریخی دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، شماره ۲، صص ۱۸-۱.

طهما سبی، ساسان (۱۳۹۸)، بررسی سرنوشت و جایگاه اسرا و برده‌های ایرانی دوران فتوح، مطالعات تاریخ اسلام، سال یازدهم، شماره ۴۰.

غنی نژاد، موسی (۱۳۸۱). آزادی و بردگی، بازتاب اندیشه، شماره ۳۴، صص ۴۳-۳۵.

موسوی زنجانی، سید ابوالفضل (۱۳۴۰). اسلام و نظام بردگی، فلسفه و کلام: مکتب تشیع، شماره ۶، صص ۲۱۱-۱۹۷.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۳۸). اسلام و بردگی، مجله مکتب تشیع - پیش‌شمار، صص ۳۰۲-۲۸۲.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۴۶). مشرق‌زمین باید پیاخیزد: استعمار یکی از پدیده‌های شوم تمدن غربی است، فلسفه و کلام: درس‌هایی از مکتب اسلام، سال هشتم، شماره ۱۱، صص ۲۰-۱۷.